



چه کسی از ارزیابی دقیق می ترسد؟

پدیدآورده (ها) : جان بوانن؛ امین پور، فاطمه
میان رشته ای :: نقد کتاب علوم محض و کاربردی :: بهار و تابستان 1394، سال دوم -
شماره 5 و 6
از 225 تا 240
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1128780>

دانلود شده توسط : مهدی غلامی
تاریخ دانلود : 20/12/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

چه کسی از ارزیابی دقیق می‌ترسد؟^۱

• جان بوانن

سر دبیر مجله ساینس

• مترجم: فاطمه امین‌پور

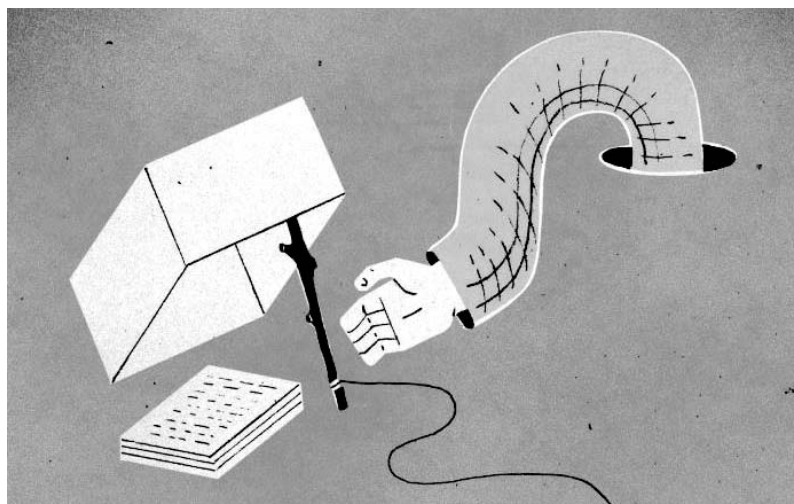
fs.aminpour@gmail.com

در ۴ ژوئیه، خبر خوبی به ایمیل اوکارافو کوبانگ^۲، زیست‌شناس مؤسسه پزشکی واسه^۳ در اسمره^۴ رسید. این نامه رسمی پذیرش مقاله‌ای بود که او ۲ ماه قبل به مجله علوم دارویی طبیعی^۵ ارسال کرده بود. این مقاله به توصیف خواص ضدسرطانی یک ماده شیمیایی که کوبانگ از گل‌سنگ استخراج کرده بود اختصاص داشت.

در حقیقت، این مقاله‌ای بود که باید بلافاصله رد می‌شد. هر داوری با اندکی دانش شیمی بیش از سطح دبیرستان و توانایی درک داده‌های اولیه این رشته می‌توانست به راحتی این مقاله را زیر پرسش ببرد چراکه آزمایش‌های مقاله تا جایی ناقص بود که می‌توانست نتایج را بی‌معنی سازد.

من این موضوع را می‌دانم چون خودم این مقاله را نوشتم؛ نه اوکارافو کوبانگ وجود دارد و نه مؤسسه پزشکی واسه. در طول ۱۰ ماه گذشته من ۳۰۴ عنوان مقاله دارویی عجیب برای راه‌یابی به ژورنال‌های علمی نوشتم. بیش از نیمی از ژورنال‌ها این مقالات را پذیرفتند بدون این‌که کوچک‌ترین توجهی به اشتباهات فاحش آن‌ها داشته باشند. نتیجه پذیرش این مقالات مخدوش معلوم می‌کند که خطوط آشکار غرب وحشی در انتشارات دانشگاهی نیز در حال ظهور است.

مجلات علمی دسترسی آزاد^۶ از سرآغاز فروتنانه و آرمان‌گرایانه خود در یک دهه قبل، رشدی قارچ‌گون یافته و به صنعتی جهانی بدل شده‌اند که به جای اتکا بر پرداخت آبونمان توسط مشتریان سنتی، با پرداخت



فصلنامه نقدکتاب

نقد و کتاب

سال دوم، شماره ۵ و ۶
بهار و تابستان ۱۳۹۴

۲۲۶

هزینه انتشار توسط نویسنده هدایت می‌شوند. بسیاری از صحنه‌گردانان اصلی این مجلات نامعلوم هستند. هویت و مکان سردبیران و همچنین عملکرد مالی ناشران آن‌ها به شکلی کاملاً هدفمند مبهم نگاه داشته شده‌است؛ اما گروه بررسی‌های علمی به شکلی کاملاً پرنرنگ و عیان کار می‌کند. رهگیری آدرس آی‌پی اینترنتی در بالای ایمیل‌های ارسالی سردبیران این مجلات، مکان آن‌ها را فاش می‌سازد. صورت‌حساب‌هایی که برای هزینه‌های انتشار صادر می‌شود یک شبکه از حساب‌های بانکی را آشکار می‌سازد که عمدتاً در کشورهای در حال توسعه قرار دارند و پذیرش یا عدم‌پذیرش این مقالات، نخستین تصویری است که از ارزیابی دقیق در بنگاه‌های علمی دسترسی آزاد به دست می‌دهد. آنچه می‌توان از مجله علوم دارویی طبیعی انتظار داشت، یک ارزیابی به‌غایت دقیق است. مجله‌ای که خود را «یک ارزیاب دقیق باهدف اطلاع‌رسانی مقالات سطح‌بالای پژوهشی و انتشار گزارش‌هایی در زمینه محصولات طبیعی با خواص دلخواه دارویی» می‌خواند. گروه تحریریه و اعضای گروه مشورتی نیز می‌بایست از استادان علوم دارویی در دانشگاه‌های سراسر جهان باشند. مجله مذکور یکی از ۲۷۰ مجله‌ای است که توسط شرکت مدنو^۷ مستقر در بمبئی هند و یکی از بزرگ‌ترین ناشران دسترسی آزاد منتشر می‌شود. طبق گفته وبسایت مدنو، هرماه بیش از ۲ میلیون مقاله آن توسط محققان دائلود می‌شود. مدنو در سال ۲۰۱۱ با قیمت نامعلومی توسط شرکت والترز کلوئر^۸ -یک شرکت چندملیتی مستقر در هلند و یکی از پیشروان اطلاع‌رسانی علمی در جهان پزشکی که سالانه حدود ۵ میلیارد دلار درآمد دارد- خریداری شد.

اما گروه تحریریه مجله علوم دارویی طبیعی، به سردبیری ایلکای اورهان -استاد داروسازی دانشگاه مدیترانه شرقی در گازیمایاوسای قبرس- ۵۱ روز پیش از پذیرش مقاله، از کوبانگ قصه ما خواست تا فقط تغییراتی سطحی در قالب مراجع گوناگون مقاله‌اش اعمال نماید و چکیده‌ای بلندتر تهیه کند. محتوای علمی مقاله هیچ‌گاه مورد توجه واقع نشد. در ایمیلی که «معین احمد» رئیس شورای علمی مجله و استاد داروسازی دانشگاه شاهزاده فیصل در احسا عربستان سعودی به ساینس فرستاد، بیان داشت که این مجله را تا پایان سال برای همیشه تعطیل خواهد کرد. او گفت: «من از این موضوع واقعاً متأسفم». اورهان می‌گوید از دو سال پیش، کار را در آنجا به‌صورت کامل به هیئت تحریریه تحت سرپرستی احمد واگذار کرده‌است (احمد سخنان وی را تأیید می‌کند). اورهان می‌گوید: «باید بیشتر مراقب باشم».

پذیرش مقاله مخدوش من در ژورنال‌های علمی به یک قاعده تبدیل شد نه یک استثنا. این مقاله در مجله‌هایی که توسط غول‌های صنعتی، سیج^۱ و الزویر^۲ میزبانی می‌شوند، در مجلاتی که توسط مؤسسات معتبر علمی مانند دانشگاه کوبه^۳ ژاپن منتشر می‌شوند و همچنین از سوی مجلات انجمن علمی پذیرفته شد. این مقاله حتی در مجلاتی که دارای موضوعاتی کاملاً بی‌ارتباط بودند مانند مجله تولیدمثل تجربی و کمک‌بالینی^۴ نیز منتشر شد.

رد مقاله نیز داستان خودش را دارد. برخی ژورنال‌های دسترسی آزاد که برای کنترل کیفیت ضعیف موردانتقاد قرار گرفته‌اند دقیق‌ترین بررسی‌ها را اعمال کردند. به‌عنوان نمونه ژورنال برتر کتابخانه عمومی علم، بنام پلاس وان^۵ تنها مجله‌ای بود که به مسائل بالقوه اخلاقی مثل فقدان مستندات در خصوص اقدامات بالینی بر روی حیوانات به‌منظور تولید سلول‌های آزمایشی توجه کرد. این ژورنال قبل از این که مطالب ارسالی را برای چاپ به انتشارات بدهد، آن‌ها را با دقت بالا از نظر پیش‌نیازهای یک مطالعه علمی دقیق توسط گروه مطالعاتی خود مورد ارزیابی قرار می‌دهد. پلاس وان مقاله من را دو هفته بعد از بررسی کیفیت علمی رد کرد.

سقوط در لانه خرگوش^۶

ماجرا از جولای ۲۰۱۲ آغاز می‌شود، زمانی که هیئت تحریریه ساینس، ایمیلی را از دیوید روس^۷، زیست‌شناس دانشگاه پنسیلوانیا برای من ارسال کرد. موضوع این ایمیل، مشکلات انتشار مقاله الین نوچا^۸ زیست‌شناس دانشگاه بندر هارکورت در نیجریه بود. خانم الین در یک کارگاه تحقیقاتی

که در ماه ژانویه سال گذشته توسط روس در مالی برگزار شده بود شرکت کرده و تلاش داشته تا مطالعات خود را در زمینه پشه‌ای با نام Culex quinquefasciatus که حامل ویروس غرب نیل و دیگر عوامل بیماری‌زا است منتشر کند.

نوچا مقاله را به یک ژورنال پزشکی به نام پژوهش سلامت عمومی^{۱۶} ارائه کرده بود. او می‌گوید که تصور می‌کرد انتشار مقاله رایگان خواهد بود. همکار دیگر او در دانشگاه، مقاله‌ای را در ژورنال دیگری از همان انتشارات به‌صورت رایگان به چاپ رسانده بود؛ شرکت انتشارات علمی و دانشگاهی (شاعد)^{۱۷} که در وبسایت خود اشاره‌ای به هزینه‌های انتشار نکرده‌است. بعد از این که مقاله خانم نوچا پذیرفته می‌شود وی می‌گوید که از او خواستند تا هزینه ۱۵۰ دلار برای انتشار پردازد؛ با یک تخفیف ۵۰ درصدی به دلیل این که در نیجریه سکونت دارد. خانم نوچا مانند بسیاری از دانشمندان کشورهای در حال توسعه کارت اعتباری ندارد و انتقال از طریق بانک بین‌المللی نیز سخت و پرهزینه است. او سرانجام با تخفیف بیشتری که می‌گیرد و هزینه را به ۹۰ دلار می‌رساند، یکی از دوستان خود را در ایالات متحده متقاعد می‌سازد تا پول را پرداخت کرده و مقاله چاپ شود.

روس با ناراحتی ابراز می‌دارد که این بخشی از یک روند فریبکارانه‌ای است که توسط ژورنال‌های دسترسی آزاد همانند انگل به جان جامعه تحقیقات علمی افتاده‌است. این موضوع من را تحریک کرد تا به شرکت انتشارات علمی و دانشگاهی توجه بیشتری کنم. برپایه ادعای سایتش: «شاعد به انجمن‌های تحقیقاتی و دانشگاهی خدمت می‌رساند و تلاش دارد تا به یکی از بزرگ‌ترین انتشارات جوامع تخصصی و پژوهشی تبدیل شود.» لیست آن شامل حدوداً دویست ژورنال است و من به شکل اتفاقی یکی را برای بررسی دقیق‌تر انتخاب کردم. ژورنال آمریکایی علم پلیمر^{۱۸} خود را به‌عنوان «یک انجمن باسابقه برای انتشار تحقیقات کاملاً دقیق و بنیادین بین‌المللی در زمینه تهیه و خواص ماکرو مولکول‌ها» معرفی می‌کند. با وارد کردن متن معرفی این ژورنال در یک موتور جستجوی اینترنتی، به سرعت دریافتم که این عبارات، عیناً کپی‌شده از وبسایت مجله علم پلیمر^{۱۹} است؛ یک مجله محترم که از سال ۱۹۴۶ توسط وایلی^{۲۰} منتشر می‌شود.

با شگفتی به این موضوع پرداختم که آیا واقعاً هیچ نشانی از آمریکا در این ژورنال به‌اصطلاح آمریکایی دیده می‌شود؟ وبسایت شاعد ادعا می‌کند که این ژورنال در اطراف لس‌آنجلس منتشر می‌شود. آدرسی که

فصلنامه نقد کتاب

و گامی برداشتم

سال دوم، شماره ۵ و ۶
بهار و تابستان ۱۳۹۴



در این ژورنال ذکر شده، چیزی بیش از تقاطع دو بزرگراه نیست و هیچ شماره تلفنی نیز در آن دیده نمی‌شود. من با برخی از افراد ذکر شده در وبسایت این شرکت به‌عنوان سردبیران و ناظران کیفی مجله تماس گرفتم. تعداد اندکی از کسانی که پاسخگوی تماس من بودند می‌گفتند ارتباط چندانی با شاعر ندارند. ماریا رایمو یکی از شیمی‌دانان مؤسسه شیمی و فناوری پلیمر ناپل ایتالیا، ۴ ماه قبل ایمیلی را برای بازبینی و بررسی یک مقاله دریافت کرده‌است. طبق آنچه او می‌گفت مقاله‌ای آن‌سان ضعیف دریافت کرده که واقعاً گمان برده مطلبی طنزآمیز در آن به نگارش درآمده‌است.

به‌رغم نکوهش‌هایی که وی نثار سردبیر مجله می‌کند، فردی با وابستگی ناشناخته که دیوید توماس خواننده می‌شود مقاله را در مجله منتشر کرد. رایمو می‌گوید که از مجله درخواست کرده تا نام وی را از بالای صفحه حذف کنند. باوجود گذشت یک سال از این درخواست این مقاله هنوز هم در سایت مجله وجود دارد و نام رایمو هنوز هم به‌عنوان ناظر کیفی در فهرست مجله به چشم می‌خورد.

بعد از گذشت ماه‌ها از ایمیل من به دبیر سایت شاعر، نهایتاً پاسخی دریافت کردم. شخصی که چارلز دوک خوانده می‌شد - با یک انگلیسی دست‌وپاشکسته - تأکید داشت که شاعر یک انتشارات آمریکایی است و پایگاه آن در کالیفرنیا قرار دارد. ایمیل وی ساعت ۳ بامداد به‌وقت شرق دریافت شد.

برای تکرار تجربه نوچا تصمیم گرفتم تا خود نیز مقاله‌ای را در مجله شاعر منتشر کنم و برای این‌که به‌کُنه ماجرای این‌گونه مجلات به‌اصطلاح علمی پی ببرم، آزمون خود را در سراسر جهان دسترسی آزاد تکرار کردم.

هدف‌ها

«کی به کی است؟»^{۲۱} فهرست مجلات دسترسی آزاد (فمدا)^{۲۲} است که ده سال پیش توسط لارس بیورنشاگ^{۲۳} - متخصص کتابداری در دانشگاه لاند سوئد - تأسیس شد و به‌سرعت توسعه یافت و تنها در سال گذشته ۱۰۰۰ عنوان به آن افزوده شد. بدون این‌که نقشه خود را برملا کنم از گروه اجرایی فمدا پرسیدم که مجلات چگونه به لیست آن‌ها افزوده می‌شوند. لینا استنسن از گروه اجرایی فمدا گفت: «عنوان باید ابتدا از طریق فرمی که در سایت طراحی شده به ما معرفی شود. اگر یک ژورنال به‌اندازه کافی منتشر نشده باشد، با دبیر یا ناشر آن تماس می‌گیریم و از آن‌ها

می‌خواهیم زمانی که محتوای بیشتری منتشر کردند بار دیگر با ما تماس بگیرند.» قبل از آن که مجله‌ای را فهرست کنیم، کادر فمدا آن را بر اساس اطلاعاتی که توسط ناشر ارائه شده ارزیابی می‌کنند. در دوم اکتبر ۲۰۱۲، زمانی که نیش‌زدن من آغاز شده بود، فمدا ۸۲۵۰ مجله را فهرست کرده بود و اطلاعات فراوانی را برای هر یک از آن‌ها مانند نام و آدرس اینترنتی ناشر، سال نشر و موضوعاتی که مجله پوشش می‌دهد درج کرده بود.

یک فهرست دیگری نیز وجود دارد که مجلات از آن هراس دارند. این فهرست توسط جفری بیل^{۲۴}، متخصص کتابداری در دانشگاه کولورادو دنور اداره می‌شود. فهرست وی تک‌صفحه‌ای است در اینترنت از نام و ننگ ناشرانی که او آن‌ها را «شکارگر»^{۲۵} می‌خواند. این اصطلاح در نظر وی از این‌رو به کار گرفته شده که این فهرست مخزنی از شیوه‌های غیرحرفه‌ای و بی‌حساب و کتاب کسب پول و سلسله‌مراتب ضعیف تحریریه گرفته تا انگلیسی‌دست‌وپاشکسته را پوشش می‌دهد و از نظر منتقدان، معیاری برای فریبکاری ناشران غیرآمریکایی است.

مانند بتمن، بیل از سوی بسیاری از کسانی که قصد حفاظت از آن‌ها را دارد مورد بدگمانی است. پائول گینسبرگ فیزیکدان دانشگاه کرنل و مؤسس آرخیو^{۲۶} -بایگانی نسخه‌های پیش‌ازانتشار نوشتارهای علمی که به مبنایی کلیدی در کار نشر بسیاری از مقاله‌های حوزه فیزیک تبدیل شده‌است- می‌گوید: «کاری که وی انجام می‌دهد بسیار ارزشمند است. اما او کمی بیش‌ازحد باعث خوشحالی است.»

من از بیل پرسیدم چه شد که وی تصمیم گرفت وارد مبارزه با جرایم دانشگاهی شود. او پاسخ داد مسئله «آن‌قدر بد شد که نمی‌شد از آن چشم پوشید». وی گفت سال گذشته تعداد این جرایم «به حد انفجار رسید». بیل ۵۹ ناشر شکارگر دسترسی آزاد را در مارس ۲۰۱۲ برشمرد. این آمار سه ماه بعد دو برابر شد و تداوم این نرخ، رشد فهرست فمدا را به‌مراتب سرعت بخشیده‌است.

به‌منظور آماده‌سازی فهرستی جامع برای تحقیقاتم، مجلاتی را که به زبان انگلیسی منتشر نمی‌شدند و آن‌هایی را که بدون هزینه‌های استاندارد دسترسی آزاد بودند، از فمدا حذف کردم. تعداد ۲۰۵۴ مجله در فهرست باقی ماند که ۴۳۸ ناشر مسئولیت آن را بر عهده داشتند. فهرست بیل که من آن را در ۴ اکتبر ۲۰۱۲ در وبسایتش مشاهده کردم ۱۸۱ ناشر را نشان می‌داد. در این میان ۳۵ ناشر با یکدیگر همپوشانی داشتند. این بدان معنا بود که یک‌پنجم ناشران شکارگر بیل، حداقل یک مجله را که در فمدا وجود داشت مدیریت می‌کردند.

فصلنامه نقدکتاب

وگابردی

سال دوم، شماره ۵ و ۶
بهار و تابستان ۱۳۹۴

۳۳۰

من بازهم فهرست را غربال کردم و ناشرانی را که فاقد یک مجله علمی با منفعت عمومی یا حداقل یکی از عناوین زیست‌شناختی، شیمیایی یا پزشکی بودند حذف نمودم. فهرست نهایی اهداف به ۳۰۴ ناشر دسترسی آزاد رسید: ۱۶۷ ناشر از فمدا، ۱۲۱ ناشر از فهرست بیل و ۱۶ ناشر هم مشترک در هر دو. (پیوند به همه ناشران، مقالات و مکاتبات در <http://scim.ag/OA-Sting> قابل دسترسی است).

فصلنامه نقدکتاب

وگابری

سال دوم، شماره ۵ و ۶
بهار و تابستان ۱۳۹۴

۳۳۱

طعمه

هدف این بود که یک مقاله معتبر اما دارای ایرادات فاحش تولید شود؛ به‌گونه‌ای که هر ارزیابی بتواند این ایرادات را تشخیص داده و مانع از انتشار مقاله شود. به‌همین‌منظور مقالات یکسانی برای صدها مجله ارسال کردم تا قدرت ارزیابی و بررسی علمی آن‌ها را محک بزنم. اما این مقالات باید به‌اندازه کافی مشابه می‌بودند تا برآمدها از مجلات قابل‌مقایسه باشد. از این‌رو یک نسخه علمی از Mad Libs درست کردم.

ساختار مقاله به این شکل بود: مولکول X از گل‌سنگ گونه Y مانع از رشد سلول سرطانی Z می‌شود. برای تغییر این متغیرها یک پایگاه داده از مولکول‌ها، گل‌سنگ‌ها و رده‌های سلول سرطانی ایجاد کردم و یک برنامه رایانه‌ای نوشتم تا صدها مقاله منحصربه‌فرد تولید کند. به‌غیر از اختلافات یادشده، محتوای اصلی تمام مقالات کاملاً یکسان بود.

نویسندگانی خیالی، وابسته به مؤسسات خیالی آفریقایی بدین‌صورت خلق کردم: نام و نام‌خانوادگی‌های آفریقایی را به‌صورت تصادفی از پایگاه داده آنلاین برداشتم و سپس حروف میانی را نیز به‌صورت تصادفی به آن افزودم و نویسندگانی چون Ocorrafoo ML Cobange به وجود آوردم. برای ایجاد وابستگی‌ها، مثل مؤسسه پزشکی واسه، واژه‌های زبان سواحیلی و نام‌های آفریقایی را به‌صورت تصادفی با واژه‌های نوع مؤسسه‌ای و نام پایتخت‌های آفریقایی ترکیب کردم. امید من این بود که با استفاده از نویسندگان و مؤسساتی از کشورهای درحال‌توسعه، شک کمتری را در تحریریه برانگیزم تا اگر احیاناً یک دبیر کنج‌کاو با جستجوی اینترنتی به نتیجه‌ای نرسید دچار شک و بدگمانی نشود.

همه مقالات، این آزمون ساده را توضیح می‌دادند که سلول‌های سرطانی در یک لوله آزمایش، هنگامی که با افزایش غلظت یک مولکول درمان شوند، آهسته‌تر رشد می‌کنند. در آزمایش دوم به منظور شبیه‌سازی پرتودرمانی، سلول‌ها همچنین با افزایش دوز تابش، مورد درمان قرار می‌گرفتند. داده‌های همه مقالات یکسان، پس نتیجه‌گیری یکسان بود:

این مولکول یک مهارکننده قدرتمند رشد سلول‌های سرطانی است و می‌تواند حساسیت سلول‌های سرطانی به پرتودرمانی را افزایش دهد. در مقالات، نشان‌های قرمز متعددی به‌وضوح در اولین نمودار داده وجود داشت. عنوان نمودار ادعا می‌کرد که دارد اثر «وابستگی به دوز» - نتیجه اصلی مقاله - را در رشد سلول نشان می‌دهد، اما داده‌ها به‌وضوح خلاف این را نشان می‌دادند. این مولکول در پنج سطح غلظت متناوب مبتنی بر سطوح پیکومولار آزمایش شده؛ درعین حال، اثرش بر روی سلول‌ها در هر غلظتی معمولی و یکسان بود.

یک نگاه گذرا به بخش داده‌های اولیه و روش تحقیق مقاله آشکارا نشان می‌داد که نتایج به‌دست آمده کاملاً عجیب و غریب است. این مولکول در یک بافر حاوی مقدار زیادی اتانول حل شده بود. گروه کنترل سلول‌ها باید با همان بافر درمان می‌شد، اما دیگر وجود نداشتند. بنابراین «اثر» مشاهده‌شده مولکول در رشد سلول، چیزی بیش از اثر سمی شناخته‌شده الکل نبود.

آزمایش دوم وقیحانه‌تر بود. سلول‌های کنترل ابداً در معرض هیچ تشعشعی قرار نمی‌گرفتند. بنابراین «اثر متقابل» مشاهده‌شده، چیزی بیش از مهار استاندارد رشد سلول توسط تابش نبود. درواقع، غیرممکن بود که بتوان نتیجه‌ای از این آزمایش به دست آورد.

برای اطمینان از این که مقالات، هم به‌شدت ناقص و هم درعین حال معتبر هستند، دو گروه مستقل از زیست‌شناسان مولکولی دانشگاه هاروارد برای داوری مجازی این مقالات داوطلب شدند. اولین واکنش آن‌ها این بود که تجربه‌شان در بررسی مقالاتی از کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که نویسندگان این مقالات، زبان انگلیسی متفاوت و نه‌چندان قوی دارند. لذا زبان روان و بومی من می‌توانست شک‌برانگیز باشد. از این‌رو مقاله را ابتدا با مترجم گوگل به فرانسه ترجمه کردم، سپس ترجمه را به انگلیسی برگرداندم و پس از آن اشکالات فاحش ترجمه‌ای را مرتفع کردم. در نتیجه مقاله‌ای که در دست داشتم از نظر دستوری صحیح اما حاوی اصطلاحاتی بود که یک غیربومی در انگلیسی به کار می‌برد.

این پژوهشگران همچنین به من کمک کردند تا اشتباهات علمی را با لحن مناسب علمی، چنان به کار ببرم که عبارات هم کاملاً واضح و هم به طرز فاحشی خطادار، معوج و مخدوش باشند. برای نمونه در پیش‌نویس‌های اولیه، داده‌ها چنان به طرز غیرقابل توصیفی عجیب بود که جالب شد؛ شاید کورسویی از یک جهش علمی غیرمنتظره را نشان می‌داد. همچنین اشتباهات رایجی را که داور مجله به راحتی می‌تواند

فصلنامه نقدکتاب

مجله نقدکتاب
و کارپردازی

سال دوم، شماره ۵ و ۶
بهار و تابستان ۱۳۹۴





تشخیص دهد برجسته ساختم.

بخش پایانی مقاله باید هر داوری را مایوس می کرد. «در مرحله بعد، اثبات خواهیم کرد که مولکول X در برابر سرطان در حیوان و انسان مؤثر است. ما نتیجه می گیریم که مولکول X نویدبخش داروی جدیدی برای درمان ترکیبی سرطان است.» اگر اشتباهات فاحش علمی انگیزه‌ای کافی برای رد مقاله نباشد، حمایت آشکار مقاله از دور زدن آزمایش‌های بالینی قطعاً باید منجر به رد مقاله شود.

نیش

بین ژانویه تا اوت ۲۰۱۳، هفته‌ای ۱۰ مقاله فرستادم: یک مقاله به یک مجله از هر ناشر. مجله‌هایی را انتخاب کردم که بیشترین ارتباط را با موضوع مقاله داشتند. نخستین انتخاب‌ها مجلاتی در زمینه علوم دارویی یا بیولوژی سرطان بودند که داروهای عمومی، بیولوژی یا شیمی را نیز شامل می‌شدند. در آغاز از چندین آدرس یا هو برای فرآیند ارسال استفاده می‌کردم اما در نهایت یک دامنه ایمیل شخصی afra-mail.com ایجاد کرده و ارسال مقالات را به شکل خودکار انجام دادم.

تعداد انگشت‌شماری از ناشران برای ارائه مقاله نیز هزینه طلب کردند. من این دسته را از فهرست هدف حذف نمودم. سایرین از مدل استاندارد طلایی در دسترسی آزاد استفاده می‌کنند: نویسنده در صورتی که مقاله‌اش منتشر شود هزینه‌ای را به ناشر پرداخت می‌کند.

اگر مقاله رد می‌شد دیگر همه چیز تمام بود. اگر مجله‌ای مقاله را برای اعمال تغییرات در شکل و قالب باز می‌گرداند، من آن را تکمیل و

مجدداً ارسال می‌کردم. اگر یک داور ایرادهای جدی علمی به مقاله وارد می‌ساخت، یک نسخه «تجدیدنظرشده» که در ظاهر بهبود یافته بود ارسال می‌کردم. نسخه‌ای که شامل عکس‌های بیشتر از گل‌سنگ، قالب‌بندی خیال‌بافانه و جزئیات بیشتر پیرامون روش‌شناسی پژوهش بود، بدون این‌که تغییری در ساختار علمی سراسر خطای مقاله ایجاد کنم.

پس‌ازاین‌که یک مجله مقاله من را می‌پذیرفت، یک ایمیل استاندارد با این مضمون به دبیر مجله ارسال می‌کردم: «متأسفانه درحالی‌که مقاله را بازخوانی می‌کردیم به‌اشتباه شرمسارانه‌ای برخوردیم. ما اکنون نقصی جدی در آزمایش‌هایمان پیدا کرده‌ایم که نتایج را بی‌اعتبار کرده‌است.» سپس مقاله را پس می‌گرفتم.

فصلنامه نقدکتاب

مجموعه علمی و کاربردی

سال دوم، شماره ۵ و ۶
بهار و تابستان ۱۳۹۴

۳۳۴

نتایج

زمانی‌که ساینس زیر چاپ رفت، ۱۵۷ مجله مقاله را پذیرفته و ۹۸ مجله آن را رد کرده بودند. به نظر می‌رسد از ۴۹ مجله باقی‌مانده، ۲۹ مجله بدون مسئول بودند: وبسایت‌ها توسط گردانندگان آن‌ها تعطیل شده بود. دبیران ۲۰ مجله دیگر نیز به من ایمیل زدند و در یک داستان ساختگی گفتند که مقاله هنوز در دست بررسی است. آن‌ها نیز از این لیست کنار گذاشته شدند. پذیرش یک مقاله به‌طور میانگین ۴۰ روز و رد آن به‌طور استاندارد ۲۴ روز به طول می‌انجامد.

از مجموع ۲۵۵ مقاله‌ای که در فرآیند پذیرش یا رد قرار گرفت، حدود ۶۰ درصد آن‌ها هیچ نشانه‌ای دال بر ارزیابی دقیق نداشتند. این برای آن‌ها که مقالات را رد کردند خبر خوبی است: کنترل کیفی این مجلات از دقتی کافی برخوردار بوده، چندان‌که تحریریه مقاله را سنجیده و قبل از آن‌که برای ارزیابی بفرستد، رد کرده‌است. اما درباره آن مجلات که مقاله را پذیرفته بودند باید گفت مقاله بدون آن‌که توسط کسی خوانده شوند مهر تأیید خورده‌است.

از ۱۰۶ مجله‌ای که مشخص بود به‌هرحال نوعی بررسی انجام داده‌اند ۷۰ درصد درنهایت مقاله را پذیرفتند. بیشتر بررسی‌ها صرفاً بر روی شکل، قالب‌بندی و زبان مقاله متمرکز بود. این موارد جزئی، وقت‌چندانی از ارزیابان ورزیده نمی‌گیرد. تنها ۳۶ مقاله از ۳۰۴ مقاله‌ای که ارائه شد مورد نقدهای علمی قرار گرفت. ۱۶ مقاله از این تعداد به‌رغم کشف موارد خطای علمی، باز هم از سوی دبیران پذیرفته شد.

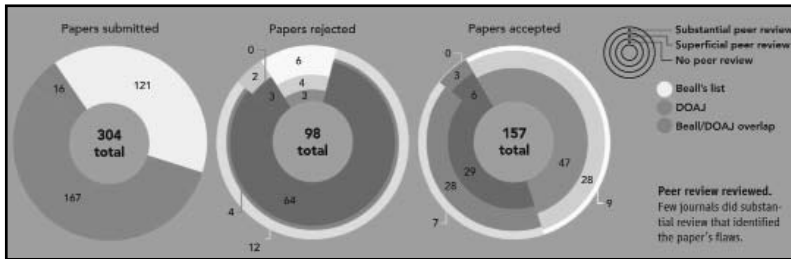
نتایج نشان می‌دهد که بیل در تشخیص ناشرانی که کنترل کیفیتضعیفی دارند بسیار خوب عمل کرده‌است: ۸۲ درصد از ناشرانی که وی

در فهرست خود آورده‌است مقالات را پذیرفتند. البته این موضوع نشان می‌دهد که تقریباً یک‌پنجم ناشران حاضر در فهرست بیل کار خود را حداقل در مورد مقالات من درست انجام داده‌اند. شگفتی بیشتر این بود که ۴۵ درصد ناشران فهرست فمدا که فرآیند بررسی را تکمیل کرده بودند این مقالات ساختگی را پذیرفتند. بیورنشاگ - بنیان‌گذار فمدا - می‌گوید: «باورش برایم دشوار است. ما با جامعه علمی همکاری می‌کنیم تا معیارهای سخت‌گیرانه‌تری را در پذیرش مقالات اعمال سازیم.» در ضمن بیل نیز اشاره می‌کند از سالی که این روند برای برملا کردن دست ناشران شکارگر آغاز شد «شمار این ناشران و مجلاتشان همچنان رشد سریعی داشته‌است».

تصویر قابل‌توجهی از پراکندگی جهانی ناشران دسترسی آزاد، سردبیران و حساب‌های بانکی آن‌ها پدیدار گشته‌است. بخش اعظمی از عملیات انتشار، موقعیت جغرافیایی واقعی خود را پنهان می‌کنند. آن‌ها مجلاتی را با نام‌هایی چون مجله آمریکایی علوم پزشکی و دندان‌پزشکی یا مجله اروپایی شیمی به تقلید - و در بعضی موارد عیناً کپی ادبی - از نمونه غربی آن به وجود می‌آورند. اما مکان‌هایی که توسط آدرس آی‌پی و صورت‌حساب‌های بانکی مشخص می‌شد در قاره‌هایی دور قرار داشت: این دو مجله در پاکستان و ترکیه منتشر می‌شوند که هر دو با احترام مقالات را پذیرفتند. سردبیر مجله اروپایی شیمی هاکان ارسلان، استاد شیمی دانشگاه مرسین ترکیه، پذیرش مقاله از سوی مجله را نه شکستی برای ارزیابی کیفی بلکه خدشه‌ای بر اعتماد به این مجله به حساب می‌آورد. زمانی که مقاله‌ای به مجله ارسال شود، او در ایمیلی می‌نویسد: «ما به اصالت مقاله شما و صحت تمام اطلاعات آن باور داریم.» مجله آمریکایی علوم پزشکی و دندان‌پزشکی به ایمیل پاسخی نداد.

نزدیک به یک‌سوم مجلاتی که در این طرح مورد بررسی قرار گرفتند - بر اساس رهگیری سردبیران و صورت‌حساب‌های بانکی - در هند مستقرند که آن را به بزرگ‌ترین مرکز مجلات دسترسی آزاد تبدیل ساخته‌است. از میان مجلات مستقر در هند، ۶۴ مجله، مقالات سراسر خطای مرا پذیرفتند و تنها ۱۵ مورد آن‌ها را رد کردند. ایالات متحده با ۲۹ پذیرش و ۲۶ رد، دومین پایگاه بزرگ این مجلات به شمار می‌رود. (نمودار جهانی چاپ و نشر دسترسی آزاد را در <http://scim.ag/OA-Sting> ببینید.)

اما حتی زمانی که تحریریه و حساب‌های بانکی در کشورهای درحال توسعه قرار دارند، شرکتی که در نهایت سود را درو می‌کند در ایالات متحده یا اروپا مستقر است. در برخی موارد نیروگاه‌های نشر دانشگاهی در



فصلنامه نقدکتاب

وگابردی

سال دوم، شماره ۵ و ۶
بهار و تابستان ۱۳۹۴

۳۳۶

رأس زنجیره حضور دارند.

مجلات منتشرشده توسط الزویر، والترز کلوتر و سیج تمام مقاله‌های ساختگی من را پذیرفتند. سلامت والترز کلوتر، مسئول بخش مجلات مدنو، «متعهد به تبعیت کامل از فرآیندهای ارزیابی دقیق و سیاست‌هایی است که منطبق با توصیه‌های کمیته بین‌المللی دبیران مجلات پزشکی و انجمن جهانی سردبیران مجلات پزشکی است». یکی از نمایندگان والترز کلوتر در ایمیلی که برای من ارسال کرد، نوشت: «ما یک اقدام فوری انجام داده‌ایم و مجله علوم دارویی طبیعی را تعطیل کرده‌ایم».

در سال ۲۰۱۲، سیج به‌عنوان ناشر مستقل صنف ناشران دانشگاهی و تخصصی سال نام گرفت. نشریه سیج که مقاله ساختگی من را پذیرفت مجله پژوهش بین‌المللی پزشکی^{۲۷} است. این مجله بی‌آن‌که از من درخواست کوچک‌ترین تغییری در محتوای علمی مقاله داشته باشد، نامه پذیرش را به همراه صورت‌حساب ۳۱۰۰ دلاری ارسال کرد. سردبیر تحریریه، مالکولم لادر^{۲۸} که استاد داروشناسی روانی در دانشکده پادشاهی لندن و عضو انجمن سلطنتی روان‌پزشکان است، در ایمیلش می‌نویسد: «من مسئولیت این واقعیت را کاملاً بر عهده می‌گیرم که این مقاله از دست فرآیند ویراستاری در رفته‌است.» او می‌نویسد پذیرش گرچه تضمینی برای انتشار مقاله به حساب نمی‌آید: «ناشر پرداخت هزینه را از شما درخواست کرد چراکه مرحله دوم یعنی ویراستاری فنی کاملاً جزئی و هزینه‌بر است... مقالات اگر نتوانند رضایت مجله را در پاسخگویی روشن به تناقضات برآورده سازند، در این مرحله نیز ممکن است رد شوند.» لادر می‌گوید که این مرحله ارزیابی دارای ابعادی گسترده‌تر و اثراتی هزینه‌زا است. «عنصر اعتماد از جمله ضروریاتی است که باید در تحقیقاتی که از سوی کشورهای نابخردار انجام می‌شود وجود داشته باشد که فعالیت‌های شما در این‌جا از چنین اعتمادی برخوردار نیست».

مجله الزویر که مقاله را پذیرفت، اختراع دارویی روز^{۲۹}، طبق گفته تام رلر نایب‌رئیس شورای همکاری‌های جهانی الزویر در واقع متعلق به الزویر

نیست: «ما این مجله را برای ناشر دیگری منتشر می‌کنیم». فردی که در وبسایت مجله به‌عنوان سردبیر معرفی شده بود، راگاوندرا کولکارنی^{۳۰} استاد داروسازی دانشکده داروسازی بلدا^{۳۱} در بیجاپور هند، در ایمیلی به مجله ساینس نوشت که از ماه آوریل و از زمانی که مالک مجله «کار بر روی فرآیند ویراستاری را آغاز کرد، دسترسی به فرآیند ویراستاری الزویر ندارد». رلر می‌گوید: «ما یک سری معیار برای تمام مجلات پیش از آن که روی الزویر قرار بگیرند به کار می‌بندیم». او می‌گوید در نتیجه این اتفاق «ما یک رویه جداگانه دیگر برای ارزیابی در نظر خواهیم گرفت». سردبیر مجله علوم پزشکی کوبه^{۳۲}، شون ایچی ناکامورا^{۳۳} استاد داروسازی دانشگاه کوبه ژاپن پاسخی به ایمیل‌های من نداد. اما دستیار وی ریکو خارباس نوشت که «به‌محض دریافت نامه پذیرش، دکتر اوبالانفا^{۳۴} مقاله را از فرآیند انتشار خارج ساخت». اشاره‌ی وی به ایمیل استنادردی بود که بعد از پذیرش مقاله به مجلات ارسال می‌کردم. و در ادامه نوشته بود: «بنابراین نامه پذیرشی که ما ارسال کردیم کاملاً بلااثر است».

سایر ناشرانی که مقالات مخدوش من را رد کرده بودند خوشحال بودند که از خطر گریخته‌اند. پل پیترز، مدیر ارشد استراتژی هینداوی^{۳۵}، یکی از ناشران دسترسی آزاد در قاهره می‌گوید: «این مسئله به ما کمک کرد تا بدانیم سیستم ما کارآمد است و کار خود را به‌درستی انجام می‌دهد». هینداوی به لحاظ تعدد نشر از گستردگی بالایی برخوردار است: تحریریه‌ای قوی و کاربلد متشکل از ۱۰۰۰ نفر که سالیانه بیش از ۲۵۰۰۰ مقاله را از ۵۵۹ مجله راهبری می‌کنند. پیترز می‌گوید زمانی که هینداوی در سال ۲۰۰۴ حوزه فعالیت خود را به مجلات دسترسی آزاد گسترش داد «ما نگاهی غیرحرفه‌ای داشتیم»، اما بعدها «اخلاق نشر» سرلوحه کارشان بوده‌است. داوران یکی از مجلات هینداوی، پژوهش و آزمایش شیمی درمانی^{۳۶}، مقاله من را پس از مشخص‌ساختن خطاهای آن رد کردند. یکی از دبیران به من توصیه کرد مجله دیگری از این ناشر را بیازمایم؛ غده‌شناسی *ISRN*^{۳۷} نیز مقاله من را رد کرد.

حرف آخر

از ابتدای این محک طراحی‌شده، من با گروه کوچکی از دانشمندانی که عمیقاً نگران مجلات دسترسی آزاد بودند در رایزنی بودم. بعضی می‌گفتند مدل دسترسی آزاد به‌خودی‌خود نمی‌تواند مقصر کنترل کیفیت ضعیفی که تحقیقات ساینس نشان داد، باشد. روس به من گفت اگر مجلاتی را که با اشتراک سنتی منتشر می‌شوند موردبررسی قرار می‌دادم «به احتمال

قوی همان نتایج به دست می‌آمد.» اما دسترسی آزاد سبب شده تا مجلات غیراستاندارد و مقالاتی که منتشر می‌کنند به‌وفور زیاد شود. روس می‌گوید: «همگان موافق‌اند که دسترسی آزاد چیز خوبی است. پرسش این است که چگونه به آن دست یابیم.»

گینسپارگ بنیان‌گذار آرخیو می‌گوید مهم‌ترین تعهد یک مجله علمی این است که ارزیابی دقیق علمی را به‌درستی انجام دهد. او از این موضوع ابراز تأسف می‌کند که بخش بزرگی از ناشران علمی دسترسی آزاد «آشکارا این وظیفه را انجام نمی‌دهند.» اطمینان از افتخار مجلات به انجام چنین تعهدی، چالشی است که جامعه علمی باید آن را افزایش دهد. گینسپارگ می‌گوید: «مجلات که کنترل کیفی را انجام نمی‌دهند مخرب هستند، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه که در آن دولت‌ها و دانشگاه‌ها با کسانی پر می‌شوند که یک اعتبار علمی ساختگی برای خود رقم زده‌اند.»

درست شبیه ناشری که از خانم الین نوچا برای انتشار مقاله‌اش هزینه طلب کرده بود، آدرس آی‌پی ایمیل‌های انتشارات علمی و دانشگاهی نشان می‌داد که در چین مستقر است و آن صورت حساب ۲۰۰ دلاری که برای من ارسال کرد، خواستار انتقال مستقیم پول به یک حساب بانکی در هنگ کنگ بود.

صورت حساب با یک خبر خوب رسید: پس از طی یک فرآیند داوری آزاد علمی، یکی از مجلاتشان -مجله بین‌المللی سرطان و تومور-^{۳۸} مقاله را پذیرفت. از تحریریه مجله خواستم تا این مقاله که با نام مستعار آلیمو اتوا^{۳۹} نوشته بودم از فرآیند انتشار خارج شود. پس از این درخواست آخرین پیامی که دریافت کردم همانند نامه‌های سورئال عاشقانه‌ای بود که از یک شخصیت داستانی به یک شخصیت دیگر ارسال می‌شود:

آلیمو اتوای عزیز،

ما کاملاً به انتخاب شما احترام می‌گذاریم و مقاله شما را از

فرآیند نشر خارج می‌سازیم.

در هر زمان دیگری که برای انتشار مقاله‌تان آمادگی داشتید

لطفاً به من اطلاع دهید، من در خدمت شما خواهم بود.

ارادتمند شما

گریس گرووی^{۴۰}

پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از «Who's Afraid of Peer Review?» نوشته

فصلنامه نقد کتاب

و گاربی

سال دوم، شماره ۵ و ۶
بهار و تابستان ۱۳۹۴

۳۳۸

John Bohannon سردبیر مجله Science. نویسنده در انتخاب عنوان به صورتی هنرمندانه از عنوان فیلم «Who's Afraid of Virginia Woolf» استفاده کرده است.

2. Ocorrafoo Cobange
3. Wasee
4. Asmara
5. Journal of Natural Pharmaceuticals
6. open-access scientific journals
7. Medknow
8. Wolters Kluwer
9. Sage
10. Elsevier
11. Journal of Experimental and Clinical Assisted Reproduction
12. PLOS ONE
۱۳. نویسنده به فصل اول داستان «آلیس در سرزمین عجایب» اشاره دارد؛ جایی که آلیس با دنبال کردن خرگوش وارد لانه او می شود و پس از یک سقوط طولانی، خود را در سرزمین عجایب می یابد.
14. David Roos
15. Aline Noutcha
16. Public Health Research
17. Scientific and Academic Publishing Co. (SAP)
18. American Journal of Polymer Science
19. Journal of Polymer Science
20. Wiley
21. Who's who
22. Directory of Open Access Journals (DOAJ)
23. Lars Bjornshauge
24. Jeffrey Beall
25. predatory
26. arXiv
27. Journal of International Medical Research
28. Malcolm Lader
29. Drug Invention Today
30. Raghavendra Kulkarni
31. BLDEA

32. Kobe Journal of Medical Sciences
33. Shun-ichi Nakamura
34. Dr. Obalanefah
35. Hindawi
36. Chemotherapy Research and Practice
37. ISRN Oncology
38. International Journal of Cancer and Tumor
39. Alimo Atoa
40. Grace Groovy

فصلنامه نقدکتاب

وکاربری

سال دوم، شماره ۵ و ۶
بهار و تابستان ۱۳۹۴

۲۴۰

